

شفیعی

به روایت همسر شهید

زهرا رحمانی



انتشارات روایت فتح، ۷۵۶/۲۱۸

رحمانی، زهرا، ۱۳۶۲-

شغیی به روایت همسر شهید/ زهرا رحمانی. تهران: روایت فتح، چاپ اول: ۱۳۹۴، ۹۴ ص، مصور.

ISBN: 978-600-330-049-1

۵۵۰۰۰ ریال

نیمه‌ی پنهان ماه: ۲۴.

فهرست‌نویس بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شغیی، نصرالله، ۱۳۴۲ - ۱۳۶۶، ۲. جنگ ایران و عراق،

۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- خاطرات، ۳. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷

-- شهیدان، ۴. شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

DSR ۱۶۲۶/ش ۷۳

۱۳۹۴

۴۱۳۲۷۸۰

کتابخانه‌ی ملی ایران



شفیعی به روایت ه. سرشهید

میرزا رحمانی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴، شمارگان: ۱۰۰

محقق: گلستان جعفریان، مشاور تألیف: محمد قاسمی پور

راوی: فاطمه رنجبر، ویراستار: خدیجه عرفی

لیتوگرافی و چاپ: جوان

شابک: ۱-۰۴۹-۳۳۰-۶۰۰-۹۷۸، قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

مکان: میدان فردوسی، سپهبد قرنی، شهید فلاح پور، شماره ۴ (قدیم)

در کتاب قطور تاریخ فصل جدیدی به نام انقلاب اسلامی و به نام انسان نوشته شده است. این فصل از جنس بهار است ولی به رنگ سرخ نوشته شده است و خزانگی به دنبال ندارد. این فصل داستان تجدید عهد انسان در روزهای پایانی تاریخ است. برای همین با خون و اشک نوشته شده است؛ خونی که یک روز در این سرزمین بر خاک ریخته شد و اشکی که روزی در وداع، گوشه‌ی - درمی پنهان شد و روزی دیگر بر سر مزاری به خاک فرو شد؛ و امروز با نسیم جاری می‌شود تا یک‌بار دیگر گرد و غبار ناگزیر زمان را از چهره‌ی سرداران روزهای انتظار بشوید.

در کتاب قطور تاریخ، فصل جدیدی نوشته شده است که سخت عاشقانه است.

ایران عزیز، مهد نام‌آورانیست که هریک در عرصه‌ای از علم و جهاد، خوش درخشیده‌اند. پهلوانانی از جنس عشق و ایثار که دریاها و اقیانوس‌های جهان، به دریادلی آنها غبطه می‌خورند. خلیج فارس تکه‌ای کوچک از این دیار است. تکه‌ای که برای بودنش، روزگاری جوانان بزرگ این سرزمین، فرزندانی که حافظان خلیج بودند، در آتش‌باران آن روز در میان آتش کین دشمن جنگیدند و در آغوش خلیج سوختند. آسمان قصه‌ی آن روز را همیشه در خاطر دارد که چگونه نوگلانی که از سر از دامن چمن برداشته بودند، با دستان خالی در آغوش آب جنگیدند و آب، شهادتگاهشان شد. نصرالله هم از همان فرزندان ایران است که در دامن خلیج جنگید و همان جا هم بهار کوتاه زندگانی‌اش به پایان رسید. از همان نام‌آورانی که ایران به وجودشان می‌بالد. او از حافظان این مریوب بود. حافظان خلیجی که باید تا ابد فارس بماند و این خلیج، هنوز شاد و سارخون عزیزانیست که در آغوش او ریخته شد. خلیج، نصرالله را برای همیشه در آغوش کشید تا دامن دریایی‌اش آرامگاه او باشد. وقتی فرزندان او برای فاتحه‌خوانی‌اش آمدند، دست روی امواجش بگذارند و بدانند نصرالله‌های تاریخ، همیشه زنده‌اند و خونشان امواج خروشان‌ست که اجازه نمی‌دهد بیگانگان پا بر عرصه‌ی این آب و خاک نهند.